

بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق جزای ایران

ناصر فیروزی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸

چکیده

در دهه‌های اخیر، با گسترش فعالیت‌های اقتصادی، صنعتی و سازمانی، اشخاص حقوقی به یکی از بازیگران اصلی در ارتکاب جرائم پیچیده و سازمان‌یافته تبدیل شده‌اند. با توجه به آثار گسترده این جرائم بر نظم عمومی، اقتصاد و محیط زیست، نظام‌های کیفری ناگزیر به بازنگری در رویکرد سنتی خود نسبت به مسئولیت کیفری بوده‌اند. هدف این مقاله، تحلیل تطبیقی و انتقادی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران، با تمرکز بر قوانین پیش و پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسناد قانونی و مقالات علمی معتبر، به بررسی مفهومی، قانونی و کاربردی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با پذیرش صریح مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مواد ۱۴۳، ۱۴۴ و ۲۰، گامی مهم در این حوزه برداشته است. با این حال، چالش‌هایی نظیر نحوه انتساب جرم، اثبات عنصر معنوی، اجرای مجازات‌ها (مانند جریمه، انحلال یا محرومیت) و نقش هم‌زمان مدیران و نهاد حقوقی، همچنان بر سر راه اجرای مؤثر این مسئولیت وجود دارد. برای تحقق کامل اهداف قانون‌گذار در حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ضرورت دارد قانون‌گذاری دقیق‌تری در تعیین مصادیق جرم، نحوه انتساب و اجرای مجازات صورت گیرد و آموزش تخصصی به قضات و ضابطان ارائه شود.

واژگان کلیدی

مسئولیت کیفری، اشخاص حقوقی، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، انتساب جرم، مجازات‌های شرکتی.

۱. کارشناس ارشد حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی، وکیل پایه یک دادگستری استان البرز. Nghs1988@yahoo.com

مقدمه

در ادبیات حقوق کیفری سنتی، مسئولیت کیفری عمدتاً ناظر بر اشخاص حقیقی بود و اشخاص حقوقی به دلیل نداشتن اراده و شعور انسانی از دایره مسئولیت کیفری خارج تلقی می‌شدند. این دیدگاه بر مبنای اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و اصل تقصیر استوار بود که تنها فردی را مستوجب مجازات می‌دانست که خود، با آگاهی و اختیار، مرتکب جرم شده باشد (اردبیلی، ۱۳۹۰، ص ۹۶)؛ اما با تحولاتی که در قرون اخیر در ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع پدید آمد، به‌ویژه با گسترش فعالیت شرکت‌ها و سازمان‌ها، بسیاری از جرائم مهم، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، مالی، زیست‌محیطی و حتی بهداشت عمومی، نه توسط اشخاص حقیقی، بلکه از طریق اشخاص حقوقی تحقق پیدا کرد. در این شرایط، نادیده گرفتن نقش اشخاص حقوقی در ارتکاب جرائم، به نوعی فراهم آوردن بستر امن برای وقوع جرم تلقی می‌شود (نوربها، ۱۳۹۴: ۱۳۵). در حقوق کیفری مدرن، بسیاری از کشورها با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، تلاش کردند تا این خلأ را جبران کرده و امکان تعقیب، محاکمه و مجازات اشخاص حقوقی را فراهم سازند. برای مثال، حقوق فرانسه با اصلاحات سال ۱۹۹۴، رسماً اشخاص حقوقی را در معرض مسئولیت کیفری قرار داد و از آن پس بسیاری از جرائم را به صورت مستقل یا همراه با مسئولیت مدیران، به اشخاص حقوقی قابل انتساب دانست (Beesdo, 2010, p. 78). همچنین در حقوق ایالات متحده آمریکا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از مدت‌ها پیش پذیرفته شده و اصولی مانند «نظریه نمایندگی» و «نظریه منافع سازمان» برای انتساب رفتار مجرمانه به شخصیت حقوقی توسعه یافته‌اند (Coffee, 1981, p. 386). در ایران تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نظام کیفری غالباً رویکرد سنتی داشت و عملاً مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت نمی‌شناخت، مگر در موارد بسیار محدود و خاص. با تصویب ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، برای نخستین بار به‌طور رسمی امکان انتساب جرم به اشخاص حقوقی پیش‌بینی شد. بر اساس این ماده، «در جرائم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی، هرگاه به نام، حساب یا سود شخص حقوقی باشد و مدیران یا نمایندگان آن در وقوع جرم مؤثر باشند، شخص حقوقی نیز دارای مسئولیت کیفری است». این تحول هرچند نقطه عطفی در حقوق جزای ایران به شمار می‌آید، اما همچنان با ابهامات و چالش‌های نظری و عملی متعددی مواجه است؛ از جمله حدود و شرایط انتساب جرم به اشخاص حقوقی، نحوه تفکیک مسئولیت مدیران و شخص حقوقی و مهم‌تر از همه، نوع و چگونگی اجرای مجازات‌ها. از این رو، بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق جزای ایران، موضوعی با اهمیت روزافزون است؛ به‌ویژه در دوران معاصر که شرکت‌ها و نهادهای بزرگ، گاه قدرتی فراتر از اشخاص حقیقی دارند و اعمال آن‌ها می‌تواند تأثیرات گسترده و عمیقی در جامعه برجای بگذارد. درک صحیح و تحلیل دقیق از جایگاه اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران، نه تنها از نظر نظری مهم است، بلکه می‌تواند در بهبود روند تقنینی و رویه قضایی نیز مؤثر واقع شود. هدف این مقاله، بررسی ابعاد مختلف مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق جزای ایران، با تأکید بر مبانی نظری، تحلیل مواد قانونی و اشاره به چالش‌های اجرایی است. در این راستا، ضمن مرور دیدگاه‌های مختلف درباره امکان یا عدم امکان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، به بررسی سیر تاریخی تحولات قانون‌گذاری در ایران و تحلیل قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پرداخته می‌شود. همچنین، برخی مصادیق و مسائل عملی مانند نوع جرائم قابل انتساب به اشخاص حقوقی، نحوه اثبات جرم و اجرای مجازات‌ها نیز بررسی خواهد شد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای، اعم از کتب، مقالات حقوقی، قوانین داخلی

و اسناد تطبیقی استفاده شده است. در پایان، تلاش خواهد شد تا با جمع‌بندی یافته‌ها، پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت حقوقی و تقنینی در حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ارائه شود.

بخش اول: مفهوم و مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مفهومی است نسبتاً نوظهور در نظام‌های حقوق کیفری که به دنبال آن، نهادها، شرکت‌ها، مؤسسات و سایر اشخاص حقوقی، در صورت ارتکاب جرم، می‌توانند مورد تعقیب، محاکمه و مجازات قرار گیرند. برخلاف تصور سنتی که جرم را تنها از اعمال افراد انسانی ناشی می‌دانست، در دنیای معاصر، بسیاری از فعالیت‌های مضر و مجرمانه در قالب اشخاص حقوقی رخ می‌دهند؛ بنابراین، پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی به نوعی پاسخ به تحولات اجتماعی، اقتصادی و حقوقی دوران مدرن است (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). بر اساس تعریف رایج، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به معنای «امکان نسبت دادن جرم به شخصیت حقوقی مستقل از اعضای آن» است. در این حالت، شخصیت حقوقی به عنوان یک موجودیت مستقل، قابلیت ارتکاب جرم از طریق رفتار مدیران، کارکنان یا نمایندگان را دارد (نوربها، ۱۳۹۴: ۱۴۲). این امر به معنای آن نیست که شخصیت حقوقی همانند یک انسان دارای نیت یا اراده است، بلکه قانون‌گذار با در نظر گرفتن نفع یا منافع حاصله برای آن، جرم را قابل انتساب به آن می‌داند.

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

پذیرش این نوع مسئولیت، همواره محل بحث و چالش میان نظریه‌پردازان حقوق جزا بوده است. از دیدگاه سنتی، جرم یک پدیده انسانی است که تنها در صورت وجود اراده، شعور و اختیار امکان تحقق دارد؛ ویژگی‌هایی که به طور ذاتی در اشخاص حقوقی وجود ندارد؛ بنابراین، در حقوق کلاسیک کیفری، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فاقد مبنا تلقی می‌شد (Beesdo, 2010, p. 77)؛ اما با تحول در مفاهیم حقوقی و تأکید بر واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی، دیدگاه‌های نوینی مطرح شد که مبنای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در موارد زیر معرفی می‌کنند:

الف) نظریه نمایندگی: بر اساس این نظریه، اعمال و نیت‌های مدیران، کارمندان یا نمایندگان شرکت، در صورتی که در چارچوب وظایف و به نفع شرکت انجام شده باشد، به شرکت قابل انتساب است. این نظریه، پایه اصلی نظام حقوق کیفری ایالات متحده در زمینه مسئولیت اشخاص حقوقی است (Coffee, 1981, p. 387).

ب) نظریه شناسایی: در این رویکرد، اشخاصی که در سلسله مراتب تصمیم‌گیری سازمان نقش کلیدی دارند (مانند مدیرعامل یا هیئت‌مدیره)، به عنوان تجسم شخصیت حقوقی تلقی می‌شوند؛ بنابراین رفتار آنان، به منزله رفتار خود شرکت در نظر گرفته می‌شود (Gobert, 2008, p. 45).

ج) نظریه نقص سازمانی: این دیدگاه که در نظام‌های حقوقی مانند آلمان و فرانسه نیز مطرح است، بر مبنای عدم نظارت یا ساختار معیوب در درون سازمان تأکید دارد. در این حالت، جرم ناشی از ضعف در کنترل داخلی یا آموزش کارکنان، به عنوان تقصیر سازمانی تلقی شده و قابل انتساب به شرکت است (Wells, 2011, p. 123).

جایگاه عدالت و پیشگیری

یکی دیگر از مبانی مهم پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، اصل عدالت کیفری و ضرورت پاسخگویی است. نادیده گرفتن شخصیت حقوقی به عنوان عامل جرم، در حالی که نفع اصلی جرم به آن بازمی‌گردد، نوعی بی‌عدالتی و نقض اصل پاسخ‌گویی تلقی می‌شود. افزون بر این، اعمال مجازات‌هایی مانند جریمه، تعطیلی یا نظارت بر عملکرد

شرکت، تأثیر بازدارنده و پیشگیرانه قابل توجهی دارد (نوروزی، ۱۳۹۹: ۸۴) نظام‌های حقوقی مختلف، هر یک از دیدگاه‌های خاص خود در مورد این نوع مسئولیت برخوردارند. در فرانسه، طبق ماده ۱۲۱-۲ قانون جزای جدید، اشخاص حقوقی به‌طور مستقل از اشخاص حقیقی قابل تعقیب و مجازات هستند. در ایالات متحده، مسئولیت کیفری شرکت‌ها بر اساس نفع سازمانی و ارتکاب جرم توسط کارکنان برقرار می‌شود. انگلستان نیز با قانون «جرائم شرکت‌های بزرگ» (Corporate Manslaughter Act 2007)، رویکردی جدید در برخورد با مسئولیت سازمانی اتخاذ کرده است (Wells, 2011, p. 127). در نهایت، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مفهومی مدرن است که برخلاف دیدگاه‌های سنتی، توانسته است پاسخ مناسبی به نیازهای جامعه مدرن برای مقابله با جرائم سازمان‌یافته و اقتصادی ارائه دهد. مبانی مختلف این مسئولیت، اعم از نظریات نمایندگی و نقص سازمانی، نشان‌دهنده تلاش حقوق‌دانان برای انتساب جرم به نهادهای حقوقی با حفظ اصول بنیادین حقوق کیفری است. در کشورهای مختلف، این مسئولیت با چارچوب‌های متنوعی اجرا می‌شود، اما هدف مشترک آن‌ها، پاسخ‌گو ساختن قدرت‌های اقتصادی و نهادی است که ممکن است تأثیرات منفی بر جامعه داشته باشند.

بخش دوم: بررسی قوانین پیش از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲:

خلاً قانونی یا نپذیرفتن مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق جزای ایران، موضوعی نوظهور است که تنها پس از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ به‌صورت رسمی در نظام تقنینی کشور وارد شد. تا پیش از این تاریخ، با وجود آنکه اشخاص حقوقی به‌عنوان موجودیت‌های حقوقی دارای شخصیت مستقل در نظام حقوقی شناخته می‌شدند، جایگاه مشخص و روشنی در عرصه مسئولیت کیفری نداشتند. بررسی قوانین پیش از این تاریخ نشان می‌دهد که یا اصولاً به موضوع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی پرداخته نشده، یا به‌صورت موردی، ناقص و غیرمنسجم به آن اشاره شده است. این وضعیت موجب شکل‌گیری نوعی خلاً تقنینی و ابهام نظری در مواجهه با جرایمی شده بود که توسط نهادها و سازمان‌های حقوقی صورت می‌گرفت. تا پیش از سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار ایران در اغلب قوانین کیفری، به صراحت مسئولیت کیفری را منحصر به اشخاص حقیقی می‌دانست. برای مثال، در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و حتی قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، هیچ ماده‌ای به‌طور صریح به امکان تعقیب و مجازات اشخاص حقوقی اشاره نداشت. ماده ۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.» و در سراسر قانون، خطاب و هدف مجازات‌ها، تنها اشخاص حقیقی بودند (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). در برخی از قوانین خاص، با وجود پذیرش ضمنی مسئولیت اشخاص حقوقی، باز هم هیچ قاعده عامی برای انتساب جرم به اشخاص حقوقی وجود نداشت. به‌عنوان نمونه، قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ در مواردی مانند تخلفات صنفی، مجازات‌هایی مانند تعطیلی واحد صنفی یا جریمه را برای مؤسسات یا شرکت‌ها در نظر می‌گرفت؛ اما این مواد بیشتر ناظر به تخلف اداری یا انتظامی بودند تا جرم کیفری به معنای خاص آن (عباسی، ۱۳۸۶: ۵۴). با وجود فقدان قاعده کلی، در برخی قوانین خاص، امکان اعمال مجازات بر اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده بود. برای مثال:

- **قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱)** در برخی موارد به مسئولیت شرکت‌ها در تخلفات مالی اشاره داشت.
- **قانون کار (مصوب ۱۳۶۹)** در مواردی جریمه‌هایی را برای کارفرمایان حقوقی به دلیل تخلفات کارگری در نظر می‌گرفت.

• در **قانون مالیات‌های مستقیم**، در صورت فرار مالیاتی، جریمه‌هایی برای شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در نظر گرفته می‌شد.

• **قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶** از جمله معدود قوانینی بود که در آن به مسئولیت اشخاص حقوقی برای ارتکاب جرم پولشویی اشاره شده بود، هرچند باز هم رویه قضایی در اجرای آن دچار تردید بود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۱: ۳۲۵).

این مقررات نشان می‌دهد که هرچند در برخی حوزه‌ها، قانون‌گذار متوجه نقش اشخاص حقوقی در ارتکاب تخلف یا جرم شده بود، اما به دلیل فقدان زیرساخت‌های نظری و قانونی، امکان استناد به این مقررات برای تعقیب کیفری اشخاص حقوقی بسیار محدود و گاه غیرممکن بود.

دلایل نبود مسئولیت کیفری عام برای اشخاص حقوقی

نپذیرفتن صریح مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تا پیش از ۱۳۹۲ را می‌توان ناشی از چند عامل مهم دانست:

الف) سلطه دیدگاه سنتی در حقوق کیفری ایران: حقوق جزای ایران، به شدت متأثر از فقه امامیه و همچنین حقوق کیفری کلاسیک اروپایی است که همگی بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و لزوم وجود عنصر معنوی (سوءنیت) تأکید دارند. از آنجا که شخصیت حقوقی فاقد اراده، شعور و نیت انسانی تلقی می‌شود، امکان ارتکاب جرم از سوی آن غیرقابل تصور بود (نوربها، ۱۳۹۴: ۱۴۷).

ب) ضعف ساختاری در نظام تقنینی: قانون‌گذاری کیفری در ایران تا پیش از دهه ۱۳۹۰، بیشتر به صورت موردی، متفرق و غیرنظام‌مند صورت می‌گرفت. فقدان یک نگاه جامع به تحولات جهانی و نیازهای نوین اجتماعی، باعث می‌شد تا مقنن کمتر به چالش‌هایی مانند جرائم سازمان‌یافته یا اقتصادی از سوی اشخاص حقوقی توجه کند (رستمی، ۱۳۹۵: ۶۷).

ج) ترس از تداخل با مسئولیت مدنی: در بسیاری از موارد، مسئولیت نهادها و شرکت‌ها تنها در قالب **مسئولیت مدنی** دنبال می‌شد. دادگاه‌ها در برابر جرائم شرکت‌ها معمولاً به جبران خسارت یا پرداخت دیه از سوی مدیران اکتفا می‌کردند و کمتر سراغ تعقیب کیفری می‌رفتند (خزاعی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

رویه قضایی و عملکرد دادگاه‌ها

در عمل نیز، رویه قضایی پیش از ۱۳۹۲ بسیار محافظه‌کارانه بود. دادگاه‌ها عموماً از تعقیب شرکت‌ها و مؤسسات به عنوان مجرم اجتناب می‌کردند و مجازات‌ها را به مدیران یا نمایندگان آن‌ها محدود می‌نمودند. حتی در مواردی که جرائم به وضوح توسط شرکت انجام شده بود، همچنان فرد مسئول به عنوان متهم اصلی معرفی می‌شد و از امکان توقیف یا انحلال شرکت چشم‌پوشی می‌شد (نوروزی، ۱۳۹۹: ۸۳). بررسی قوانین پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که حقوق جزای ایران با خلأ جدی در زمینه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مواجه بوده است. این خلأ نه تنها ناشی از کم‌توجهی تقنینی، بلکه بازتابی از سلطه دیدگاه سنتی، ضعف تئوریک و نبود اجماع رویه‌ای بوده است. در چنین شرایطی، جرم‌انگاری رفتارهای سازمان‌یافته توسط اشخاص حقوقی در عمل با مشکل مواجه شده و پاسخگویی کیفری شرکت‌ها با محدودیت جدی روبه‌رو بود. این وضعیت تا پیش از سال ۱۳۹۲ ادامه داشت تا اینکه قانون جدید با پذیرش صریح مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نقطه عطفی در نظام کیفری ایران ایجاد کرد.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تحلیل دقیق مواد قانونی مربوطه

شرایط تحقق جرم توسط شخص حقوقی

تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نقطه عطفی در نظام حقوق جزای ایران در پذیرش صریح و قانونی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به شمار می‌رود. برای نخستین بار، قانون‌گذار ایران در این قانون به صورت منسجم، ضابطه‌مند و اصولی به موضوع جرم‌انگاری اعمال اشخاص حقوقی و تعیین شرایط و آثار آن پرداخت. در این راستا، مواد ۱۴۳ و ۱۴۴ این قانون، مبنای نظری و عملی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی کشور را بنا نهاده‌اند.

ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: اصل پذیرش مسئولیت کیفری

ماده ۱۴۳ مقرر می‌دارد: «در جرایم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی، هرگاه جرم به نام، حساب یا در راستای منافع شخص حقوقی واقع شود، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود» این ماده به صراحت اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته و سه شرط عمده برای انتساب جرم به شخص حقوقی قائل شده است:

- وقوع جرم توسط اشخاص حقیقی
- ارتكاب جرم به نام یا حساب شخص حقوقی
- تحقق جرم در راستای منافع شخص حقوقی

بر این اساس، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی یک مسئولیت تبعی است؛ یعنی متوقف بر وقوع جرم توسط افراد انسانی در درون ساختار حقوقی (مثل مدیران، نمایندگان یا کارکنان). این دیدگاه با نظریه «نمایندگی» در حقوق کیفری تطبیقی هم‌راستا است که رفتار مدیران و کارکنان را قابل انتساب به شخص حقوقی می‌داند (Gobert, 2008, p. 459).

ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: شناسایی مرتکبان انسانی

ماده ۱۴۴ می‌گوید: «در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، شخص حقیقی که جرم از طریق او واقع شده است نیز قابل تعقیب کیفری می‌باشد» این ماده نشان می‌دهد که پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی به معنای نفی مسئولیت فردی مرتکب جرم نیست. در واقع، هر دو نوع مسئولیت (فردی و حقوقی) می‌توانند همزمان اعمال شوند. این مهم، نه تنها اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری را نقض نمی‌کند، بلکه آن را تکمیل می‌نماید. به بیان دیگر، شرکت ممکن است مجازات شود، اما مدیر مجرم نیز مجازات فردی خواهد داشت (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

شرایط تحقق جرم توسط شخص حقوقی

تحقق جرم توسط اشخاص حقوقی، همان‌طور که ماده ۱۴۳ تصریح کرده، مستلزم سه شرط عمده است:

الف) جرم باید توسط شخص حقیقی واقع شده باشد: اشخاص حقوقی چون فاقد اراده مستقل طبیعی هستند، نمی‌توانند مستقیماً اقدام به رفتار مجرمانه کنند. از این رو، باید جرم توسط فردی حقیقی از درون سازمان صورت پذیرد. این فرد ممکن است مدیرعامل، عضو هیئت مدیره، نماینده قانونی یا حتی کارمند باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۱: ۳۹۷).

ب) ارتكاب جرم به نام، حساب یا به نفع شخص حقوقی: قانون‌گذار، سه حالت برای انتساب رفتار مجرمانه به شخص حقوقی در نظر گرفته است:

۱. به نام شخص حقوقی: مانند عقد قراردادهای صوری برای پولشویی با استفاده از نام شرکت.
۲. به حساب شخص حقوقی: مانند ارتكاب جرم برای افزایش سود شرکت.
۳. در راستای منافع شخص حقوقی: مانند فساد مالی با هدف ارتقاء جایگاه اقتصادی شرکت.

در صورتی که عمل ارتكابی صرفاً در راستای منافع فردی مرتكب (مثل انتقام یا منفعت شخصی) باشد، نمی توان آن را به شخص حقوقی نسبت داد (نوروزی، ۱۳۹۹: ۹۳).

(ج) وجود رابطه استخدامی یا نمایندگی: رفتار مجرمانه باید از سوی فردی رخ دهد که در قالب **کارمند**،

نماینده یا مدیر در ارتباط با شرکت فعالیت داشته باشد. در غیر این صورت، اگر شخص ثالثی از نام شرکت سوءاستفاده کند بدون آنکه رابطه‌ای حقوقی وجود داشته باشد، مسئولیت کیفری برای شرکت ایجاد نمی شود (عباسی، ۱۳۹۴: ۲۸).

مجازات‌های اشخاص حقوقی

در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، طیفی از مجازات‌های متناسب با شخصیت حقوقی تعریف شده است:

- انحلال شخص حقوقی
- توقیف موقت یا دائم
- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی
- جریمه نقدی
- انتشار حکم محکومیت

این مجازات‌ها با توجه به نوع جرم، شدت آسیب و جایگاه نهاد حقوقی در جامعه، توسط دادگاه تعیین می‌شود. قانون‌گذار تلاش کرده تا با طراحی مجازات‌های غیرسالب حیات و غیرجسمانی، اصل تناسب و تأثیرگذاری را رعایت نماید (رستمی، ۱۳۹۵: ۷۵). رویکرد ایران در پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مشابه کشورهای پیشرفته‌ای چون فرانسه، انگلستان و ایالات متحده است. در فرانسه نیز بر اساس ماده ۱۲۱-۲ قانون جزا، شخص حقوقی در صورت تحقق عناصر مادی و معنوی جرم از سوی نمایندگان قانونی، قابل تعقیب است. در آمریکا نیز شرکت‌ها از طریق نظریه «نفع سازمانی» تحت تعقیب قرار می‌گیرند (Wells, 2011, p. 134). با وجود دستاوردهای مهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این زمینه، برخی انتقادات نیز وجود دارد:

- ابهام در تعیین دقیق مسئولیت فردی در کنار مسئولیت حقوقی
- فقدان معیار روشن برای احراز «نفع شخص حقوقی»
- کم توجهی به پیش‌بینی سازوکارهای پیشگیرانه در درون شرکت‌ها

این نکات نشان می‌دهد که گرچه گام‌های اولیه مهمی برداشته شده، اما هنوز نظام حقوقی ایران در مسیر توسعه نظریه جامع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی قرار دارد (خزاعی، ۱۳۹۶: ۶۲). قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با تصویب مواد ۱۴۳، ۱۴۴ و ۲۰، نقطه عطفی در پذیرش صریح و سیستماتیک مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران به وجود آورد. این تحولات، ضمن حفظ اصول سنتی حقوق کیفری، زمینه تطبیق آن با واقعیات اجتماعی، اقتصادی و حقوقی روز را فراهم ساخت. با اجرای صحیح این مواد، می‌توان انتظار داشت که مقابله با جرائم سازمان‌یافته و اقتصادی مؤثرتر شود و نهادهای حقوقی نیز در برابر قانون پاسخ‌گو باشند.

نحوه انتساب جرم به اشخاص حقوقی

با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران (مطابق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)، یکی از اساسی‌ترین مباحث، چگونگی انتساب رفتار مجرمانه به شخص حقوقی است. زیرا شخص حقوقی، برخلاف شخص

حقیقی، فاقد اراده و شعور انسانی است و لذا نمی‌تواند همانند انسان‌ها مرتکب جرم شود. در نتیجه، باید از طریق رفتار اشخاص حقیقی مرتبط با آن، جرم را به نهاد حقوقی نسبت داد. در حقوق کیفری مدرن، انتساب جرم به اشخاص حقوقی مبتنی بر نظریه‌هایی نظیر نظریه نمایندگی، نظریه تشخیص و کنترل و نظریه سیاست کیفری است. در ایران، قانون‌گذار در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، با اتخاذ رویکردی مبتنی بر نظریه نمایندگی و نفع‌سازمانی، شرایطی را برای این انتساب تعیین کرده است. مطابق این ماده: «در جرایم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی، هرگاه جرم به نام، حساب یا در راستای منافع شخص حقوقی واقع شود، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود» این ماده سه عنصر کلیدی برای انتساب جرم به اشخاص حقوقی بیان کرده است:

شرایط انتساب جرم

الف) ارتكاب جرم توسط شخص حقیقی: جرم باید توسط یک شخص حقیقی (مثلاً مدیرعامل، عضو هیئت مدیره، کارمند یا نماینده قانونی) ارتكاب یابد که به نوعی تحت ساختار، اختیار یا پوشش حقوقی نهاد فعالیت می‌کند. شخص حقوقی بدون واسطه انسانی نمی‌تواند مرتکب جرم شود؛ بنابراین، مسئولیت کیفری شخص حقوقی تابعی از رفتار اشخاص حقیقی وابسته به آن است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۱: ۴۰۲)

ب) انجام عمل به نام، به حساب یا در راستای منافع شخص حقوقی: سه حالت برای انتساب رفتار شخص حقیقی به شخص حقوقی وجود دارد:

۱. به نام شخص حقوقی: فرد مرتکب از نام رسمی نهاد برای ارتكاب جرم استفاده کرده است (مانند انعقاد قرارداد صوری به نام شرکت برای فریب اشخاص ثالث).
۲. به حساب شخص حقوقی: هزینه‌ها و منافع ناشی از جرم به حساب مالی نهاد منظور شده است.
۳. در راستای منافع شخص حقوقی: انگیزه اصلی ارتكاب جرم، ارتقاء سود، منفعت اقتصادی، اعتبار یا جایگاه نهاد حقوقی بوده است (نوروزی، ۱۳۹۹: ۹۱).

چنانچه فعل مجرمانه صرفاً در راستای منافع شخصی فرد مرتکب انجام شده باشد، حتی اگر او در ظاهر نماینده شرکت باشد، مسئولیت به نهاد حقوقی تسری نخواهد یافت. میزان قدرت و جایگاه فرد مرتکب در ساختار سازمانی، تأثیر مستقیمی بر امکان انتساب جرم دارد. برای مثال، رفتار مجرمانه‌ای که از سوی مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره رخ داده، با احتمال بالاتری به نهاد حقوقی نسبت داده می‌شود تا کارمند سطح پایین. در حقوق تطبیقی، این اصل تحت عنوان نظریه تشخیص و کنترل شناخته می‌شود و در آن افراد در رأس سازمان به عنوان «ذهن شرکت» تلقی می‌شوند (Gobert, 2008, p. 460). یکی از چالش‌های مهم در انتساب جرم به اشخاص حقوقی، عنصر معنوی یا سوء نیت است. چون نهاد حقوقی فاقد شعور انسانی است، نمی‌توان از آن انتظار سوء نیت انسانی داشت؛ اما در نظریه‌های مدرن، سوء نیت از طریق رفتار آگاهانه و عامدانه افراد دارای اختیار در سازمان، به نهاد نسبت داده می‌شود. مثلاً اگر هیئت مدیره شرکتی به‌طور آگاهانه تصمیم به فرار مالیاتی بگیرند، سوء نیت آن‌ها به عنوان سوء نیت سازمان تلقی می‌شود. در مقابل، اگر کارمندی پایین‌رده بدون اطلاع مدیریت اقدام به جعل اسناد نماید، ممکن است سوء نیت وی به سازمان منتسب نشود (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

مسئولیت فردی و جمعی

مطابق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، در کنار مسئولیت حقوقی سازمان، شخص حقیقی مرتکب نیز قابل تعقیب کیفری است؛ بنابراین، قانونگذار مدل مسئولیت هم‌زمان را پذیرفته است. این مدل امکان تعقیب مدیر یا عامل جرم و نیز شرکت مربوطه را به صورت توأمان فراهم می‌سازد (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۳۴). در برخی سیستم‌های حقوقی مانند آمریکا و انگلستان، شرکت‌ها می‌توانند با اثبات سیاست‌های پیشگیرانه مانند کدهای اخلاقی، نظارت داخلی و آموزش کارکنان، از انتساب جرم مصون بمانند. این مسئله در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است، زیرا اگر سازمان بتواند اثبات کند که همه اقدامات لازم برای پیشگیری از جرم را انجام داده و فرد خاطی برخلاف سیاست‌های رسمی عمل کرده، ممکن است از مسئولیت کیفری معاف شود (Wells, 2011, p. 138). انتساب جرم به اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران، مبتنی بر اصولی چون رابطه نمایندگی، نفع سازمانی و رفتار اشخاص حقیقی دارای اختیار است. شرط کلیدی، وقوع جرم از سوی فردی است که در چارچوب سازمانی عمل کرده و این رفتار به نحوی با نام، حساب یا منافع شخص حقوقی گره خورده باشد. پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ضمن تقویت پاسخ‌گویی نهادها، ابزاری مؤثر در مقابله با جرایم اقتصادی، زیست‌محیطی و سازمان‌یافته به شمار می‌آید.

مصادیق و چالش‌های عملی جرایم قابل ارتکاب توسط اشخاص حقوقی

در دنیای امروز، اشخاص حقوقی به عنوان نهادهایی مستقل با شخصیت حقوقی و اقتصادی، نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کنند. این نهادها می‌توانند به دلیل ساختار پیچیده، منابع مالی وسیع و توانایی‌های فراوان در تصمیم‌گیری، اقدام به ارتکاب جرایمی کنند که نه تنها بر افراد بلکه بر جامعه و محیط زیست تأثیرات منفی داشته باشد. برخی از مهم‌ترین جرایم قابل ارتکاب توسط اشخاص حقوقی شامل پولشویی، آلودگی محیط زیست، فساد اقتصادی و تخلفات مالی هستند.

۱. پولشویی توسط اشخاص حقوقی

پولشویی یکی از جدی‌ترین جرایم اقتصادی است که می‌تواند توسط اشخاص حقوقی، به ویژه شرکت‌های بزرگ مالی و تجاری، انجام شود. این جرم به معنای پنهان کردن منشأ غیرقانونی درآمدها و تبدیل آن به منابع قانونی است. افراد حقوقی می‌توانند از طریق مجموعه‌ای از تراکنش‌ها، قراردادهای پیچیده و یا استفاده از حساب‌های بانکی در کشورهای مختلف، منابع مالی نامشروع خود را از دید مراجع قانونی پنهان کنند (Walker, 2009, p. 75). نهادهای اقتصادی به‌ویژه در بخش‌های بانکداری، بیمه و تجارت بین‌الملل به دلیل امکان انجام تراکنش‌های پیچیده، بیشتر در معرض ارتکاب این جرم قرار دارند. برای مثال، یک شرکت می‌تواند از طریق فروش کالاهایی که در واقع وجود ندارند، مبالغ کلانی را از منابع نامشروع تبدیل به پول قانونی کند. این فرایند می‌تواند از طریق جعل اسناد، فاکتورها یا استفاده از شرکت‌های پوششی که در مناطق کم نظارت فعالیت دارند، انجام شود (Zohny, 2016, p. 12). چالش‌های عملی در مقابله با پولشویی در اشخاص حقوقی به دو عامل اصلی برمی‌گردد:

پیچیدگی تراکنش‌ها: تراکنش‌های بین‌المللی و ساختارهای شرکتی پیچیده می‌توانند شناسایی پولشویی را دشوار کنند. نظارت ناکافی: در بسیاری از کشورها، نظارت بر عملکرد مالی شرکت‌ها و تراکنش‌های پیچیده به دلیل محدودیت‌های منابع یا ضعف در قوانین، ناکافی است.

آلودگی محیط زیست یکی دیگر از جرایم عمده‌ای است که می‌تواند توسط اشخاص حقوقی، به‌ویژه در صنایع بزرگ و آلاینده مانند نفت، معدن و پتروشیمی انجام شود. این شرکت‌ها ممکن است به دلایل مختلف از جمله کاهش هزینه‌ها یا بی‌توجهی به مقررات زیست‌محیطی، اقدام به تخریب محیط زیست کنند. برای مثال، در صنایع نفت و گاز، ممکن است شرکت‌ها به‌طور عمدی یا سهوی موجب نشت مواد شیمیایی و آلودگی منابع آبی شوند (Kloepfer, 2015, p. 55).

چالش‌های عملی در این زمینه عبارتند از:

۱. کمبود شفافیت در گزارش‌دهی: بسیاری از شرکت‌ها ممکن است اطلاعات مربوط به آلودگی محیط زیست را به‌طور دقیق گزارش ندهند یا آن را فریبکارانه به‌صورتی مسکوت نگه دارند.
 ۲. مشکلات در نظارت و اجرای قوانین: حتی در کشورهای دارای قوانین زیست‌محیطی، نظارت مؤثر بر فعالیت‌های صنعتی به دلیل فقدان تجهیزات یا پرسنل تخصصی کافی، با مشکل روبه‌رو است.
 ۳. دستکاری در ارزیابی‌های زیست‌محیطی: در برخی موارد، شرکت‌ها می‌توانند از دستکاری‌های قانونی یا فنی در ارزیابی‌های زیست‌محیطی برای پنهان کردن میزان آلودگی خود استفاده کنند.
- یکی از مهم‌ترین جرایم اقتصادی که توسط اشخاص حقوقی به وقوع می‌پیوندد، فساد اقتصادی است. این جرم شامل رشوه دادن یا گرفتن، فساد مالی، تخلفات مالی و حساب‌سازی‌های غیرقانونی است که به‌ویژه در بخش‌های دولتی و خصوصی مشاهده می‌شود. شرکت‌های بزرگ ممکن است از قدرت و نفوذ خود برای تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها، قراردادهای دولتی و نظارت‌های قانونی سوءاستفاده کنند. برای مثال، در پروژه‌های بزرگ عمرانی، ممکن است قراردادهایی بسته شود که منافع مالی شخصی مدیران و مسئولان شرکت‌ها را تأمین کند (Ariely, 2012, p. 34).
- چالش‌های عملی در مقابله با فساد اقتصادی توسط اشخاص حقوقی شامل موارد زیر است:

۱. گستردگی و پیچیدگی سیستم‌های مالی: فساد در محیط‌های اقتصادی پیچیده به راحتی پنهان می‌شود. در چنین سیستم‌هایی، نظارت مؤثر بر فرآیندهای مالی سخت‌تر می‌شود.
۲. نفوذ اقتصادی و سیاسی: اشخاص حقوقی بزرگ ممکن است از نفوذ خود در سیاست‌ها و دستگاه‌های دولتی برای پوشش دادن اقدامات غیرقانونی خود استفاده کنند.
۳. محدودیت‌های قانونی و اجرایی: در بسیاری از کشورها، قوانین ضد فساد ممکن است به‌طور مؤثر اجرا نشوند یا ظرفیت کافی برای تعقیب این جرایم وجود نداشته باشد.

گرچه این جرایم به وضوح آثار منفی بر جامعه دارند، اما مقابله با آن‌ها چالش‌های خاصی را به همراه دارد:

۱. کمبود منابع و قدرت اجرایی: ارگان‌های دولتی مسئول نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی و زیست‌محیطی معمولاً با مشکلات منابع، نیروی انسانی و فناوری‌های پیشرفته مواجه هستند.
۲. محدودیت‌های بین‌المللی: در جرایمی همچون پولشویی و فساد اقتصادی که معمولاً در سطح بین‌المللی انجام می‌شود، نبود هماهنگی بین کشورها در اجرای قوانین و جابجایی منابع مالی، کار را پیچیده‌تر می‌کند.
۳. مشکلات در پیگیری مسئولیت کیفری: پیگیری مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به دلیل عدم وجود شواهد روشن یا تفاوت‌های قانونی در کشورها، مشکل است. از طرفی، برخی کشورها حتی از پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خودداری می‌کنند که این امر موجب پیچیدگی در اجرای عدالت می‌شود.

جرایم اقتصادی و زیست‌محیطی که توسط اشخاص حقوقی ارتکاب می‌یابند، شامل انواع مختلفی از جمله پولشویی، آلودگی محیط زیست و فساد اقتصادی است. هر کدام از این جرایم نه تنها برای دولت‌ها و مراجع نظارتی چالش‌برانگیز است بلکه آثار مخربی بر جامعه، محیط زیست و اقتصاد کشورها دارد. چالش‌های عملی در شناسایی، پیگیری و مجازات این جرایم به دلیل پیچیدگی‌های حقوقی، مالی و ساختاری شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، نیازمند بهبود نظارت‌ها و تقویت است.

مسئولیت مدیران در کنار شخص حقوقی

با پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق جزای ایران بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پرسشی مهم در عمل و نظر پدید آمده است: آیا با مسئول شناختن نهاد حقوقی، مسئولیت کیفری مدیران منتفی می‌شود؟ پاسخ قانون‌گذار ایران، همسو با بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، منفی است. به بیان دیگر، مسئولیت کیفری شخص حقوقی، مانع از تعقیب کیفری مدیران نهاد نیست، بلکه گاه مسئولیت‌ها توأمان است. در این راستا، بررسی مسئولیت مدیران در کنار نهاد حقوقی، هم از جنبه نظری اهمیت دارد و هم در عرصه عمل، به‌ویژه در مواردی چون جرایم اقتصادی، مالی، پولشویی، تخلفات بورسی، آلودگی محیط زیست و ... آثار مهمی بر جای می‌گذارد.

۱. مبنای مسئولیت مدیران در اشخاص حقوقی: اشخاص حقوقی نمی‌توانند رأساً اعمال فیزیکی انجام دهند و همواره باید از طریق اشخاص حقیقی، به‌ویژه مدیران و نمایندگان خود، در عرصه اجتماع ظاهر شوند. از همین رو، عملکرد کیفری شرکت غالباً برآیند رفتارهای فردی مدیران و مأموران آن است. بر این اساس، مدیران به عنوان اراده‌سازان و تصمیم‌گیرندگان اصلی شرکت‌ها، واجد مسئولیت کیفری مستقل از شخص حقوقی هستند (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۲۴۱) ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در همین راستا مقرر می‌دارد: «مسئولیت کیفری شخص حقوقی، مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست» این ماده به صراحت اصل **مسئولیت کیفری مضاعف یا هم‌زمان (dual liability)** را پذیرفته است؛ به این معنا که هم نهاد حقوقی و هم مدیر یا کارمند مرتکب، می‌توانند به‌طور هم‌زمان تعقیب و مجازات شوند.

۲. مصادیق مسئولیت کیفری مدیران: در موارد متعددی، ارتکاب جرم در بستر شخص حقوقی، ناشی از تصمیم‌گیری، تدبیر یا حتی اهمال و بی‌مبالاتی مدیران آن است. مهم‌ترین موارد عبارتند از:

الف - اقدام مستقیم مجرمانه: مدیر یا عضو هیئت مدیره ممکن است شخصاً مرتکب جرم شود، مثلاً:

- صدور فاکتورهای صوری برای فرار مالیاتی
- تنظیم قراردادهای متقلبانه
- ارائه اطلاعات نادرست به نهادهای ناظر (مانند سازمان بورس)

ب - تحریک یا دستور به ارتکاب جرم: گاهی مدیر مستقیماً مرتکب جرم نیست، ولی به کارمند یا زیردست خود دستور ارتکاب جرم می‌دهد. این اقدام تحت عنوان **امر به جرم** قابل تعقیب است.

ج - نظارت ضعیف یا ترک فعل مؤثر: در نظام‌های حقوقی نوین، مدیران ممکن است به **دلیل اهمال در نظارت بر ساختارها و کارکنان**، مسئول شناخته شوند. در این موارد، حتی اگر مدیر از وقوع جرم آگاه نبوده باشد، صرف بی‌مبالاتی وی در نظارت می‌تواند موجب مسئولیت کیفری گردد (Wells, 2011, p. 148).

معیارهای انتساب مسئولیت به مدیران

برای انتساب مسئولیت به مدیر، باید چند شرط اصلی وجود داشته باشد:

۱. وجود رابطه استخدامی یا مدیریتی با نهاد حقوقی: فرد باید در ساختار سازمانی، صاحب اختیار یا مسئولیت باشد (مانند مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره، مدیر مالی و ...).
۲. ارتکاب فعل یا ترک فعل مجرمانه: باید رفتاری منتسب به مدیر صورت گرفته باشد که قانوناً جرم تلقی شود.
۳. عنصر معنوی (سوء نیت یا تقصیر): در اغلب جرایم، احراز سوء نیت یا دست کم بی احتیاطی الزامی است؛ بنابراین، مدیر تنها در صورتی مسئول خواهد بود که یا عامدانه در وقوع جرم مشارکت کرده باشد یا در اثر اهمال و بی‌مبالاتی شرایط جرم را فراهم کرده باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۱، ص ۴۲۳).

در بسیاری از کشورها، از جمله انگلستان، فرانسه، آلمان و ایالات متحده، مسئولیت مدیران در کنار اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته شده است. به عنوان مثال، در ایالات متحده، بر اساس قانون ساربینز-آکسلی (Sarbanes-Oxley Act)، مدیران شرکت‌ها در قبال ارائه اطلاعات نادرست یا عدم گزارش فعالیت‌های مشکوک، تحت تعقیب کیفی قرار می‌گیرند. در حقوق فرانسه نیز علاوه بر شرکت، مدیر یا رئیس شرکت نیز در برابر جرایم مالیاتی، زیست‌محیطی یا کارگری پاسخگوست (Colin & Capitant, 2010, p. 194). پذیرش مسئولیت کیفی مدیران در کنار شخص حقوقی چندین مزیت دارد: افزایش شفافیت در تصمیم‌گیری‌های شرکتی، تشویق مدیران به رعایت موازین قانونی و نظارتی، پیشگیری از سوءاستفاده از نهاد حقوقی به عنوان «پوشش کیفی»، همچنین، این رویکرد از مسئولیت‌گریزی مدیران جلوگیری می‌کند و مانع آن می‌شود که با تغییر مدیر یا انحلال شرکت، تعقیب کیفی از بین برود. مسئولیت کیفی مدیران در کنار اشخاص حقوقی، اصل پذیرفته‌شده‌ای در حقوق کیفی معاصر و حقوق ایران است. ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی صراحتاً بر مسئولیت هم‌زمان شخص حقیقی و حقوقی تأکید دارد. این مسئولیت نه تنها تضمینی برای سلامت تصمیمات در نهادهای حقوقی است، بلکه در عمل ابزاری مؤثر برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی محسوب می‌شود. با این حال، اجرای دقیق این اصل مستلزم دقت در جمع‌آوری ادله، رعایت حقوق دفاعی مدیران و بهره‌گیری از رویه‌های قضایی شفاف است.

چالش‌های اثبات، اجرای مجازات و انواع مجازات‌های اشخاص حقوقی

پذیرش مسئولیت کیفی اشخاص حقوقی در حقوق جزای معاصر، از جمله در ایران با قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تحولی مهم در جهت پاسخ‌گویی نهادهای اقتصادی و اجتماعی به نقض‌های جدی کیفی محسوب می‌شود. با این حال، این رویکرد با چالش‌های مهمی در سه حوزه: اثبات جرم، اجرای مجازات و نوع مجازات‌ها مواجه است. این چالش‌ها می‌توانند کارآمدی نظام کیفی را در برخورد با جرائم پیچیده نهادهای حقوقی کاهش دهند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در پرونده‌های کیفی اشخاص حقوقی، اثبات ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی است. برخلاف اشخاص حقیقی که اراده و فعل آن‌ها قابل شناسایی مستقیم است، در اشخاص حقوقی، باید رابطه‌ای بین رفتار مدیران یا مأموران با ساختار سازمانی شرکت و جرم ارتكابی برقرار شود (Ormerod & Laird, 2018, p. 412). در حقوق کیفی، اثبات سوء نیت یا تقصیر ضروری است. در مورد اشخاص حقوقی، سؤال اینجاست که چگونه می‌توان قصد مجرمانه را به نهادی انتساب داد که فاقد اراده مستقل است. در پاسخ، دو نظریه عمده مطرح است:

- نظریه «اراده جمعی» که رفتار مدیران عالی‌رتبه را نماینده اراده شرکت می‌داند (Fisse & Braithwaite, 1993, p. 58).
- نظریه «نظام‌مند بودن جرم» که تأکید دارد جرم محصول نقص در ساختار و فرهنگ سازمانی است نه الزاماً فعل شخص معین (Wells, 2011, p. 133).

در ایران نیز ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد که وقتی جرم به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی، توسط مدیر یا نماینده آن ارتکاب یابد، جرم به شخص حقوقی نیز قابل انتساب است. «این ماده نشان‌دهنده پذیرش نظریه اراده نمایندگان قانونی است. در بسیاری از پرونده‌های مرتبط با شرکت‌ها، جمع‌آوری اسناد، مکاتبات و صورت‌جلسات برای اثبات تصمیم مجرمانه بسیار دشوار است، چرا که شرکت‌ها اغلب دارای لایه‌های متعدد تصمیم‌گیری و سیستم‌های حفاظتی قانونی برای داده‌ها هستند (Green, 2006, p. 274).

چالش‌های اجرای مجازات بر اشخاص حقوقی

اجرای مجازات علیه یک نهاد حقوقی، چالش‌هایی متفاوت از اجرای مجازات بر اشخاص حقیقی دارد. اشخاص حقوقی می‌توانند با تغییر ساختار، ادغام با شرکت دیگر، یا انتقال دارایی‌ها به نهاد جدید، از اجرای مجازات بگریزند. در غیاب مکانیزم‌های قانونی مؤثر، این امر به فرار ساختاری از مجازات می‌انجامد (Vaughan, 2008, p. 201). در مواردی که شرکت تحت مالکیت دولت یا نهاد عمومی است، اجرای مجازات‌هایی مانند تعطیلی یا جریمه سنگین ممکن است باعث آسیب به منافع عمومی و توقف خدمات حیاتی شود؛ بنابراین، در عمل دستگاه قضایی ممکن است از اجرای تمام‌عیار مجازات صرف‌نظر کند. در نظام حقوقی ایران، ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، فهرستی از مجازات‌هایی را که می‌توان بر اشخاص حقوقی اعمال کرد، ارائه داده است. این مجازات‌ها عمدتاً در چهار دسته اصلی قرار می‌گیرند: جریمه نقدی: مهم‌ترین و رایج‌ترین مجازات اشخاص حقوقی، جریمه مالی است. این مجازات به‌ویژه در جرایم مالی، اقتصادی و زیست‌محیطی کاربرد دارد. با این حال، اگر جریمه به اندازه کافی بازدارنده نباشد، اثربخشی آن زیر سؤال می‌رود. در مواردی، شرکت‌ها این جریمه‌ها را صرفاً «هزینه ریسک» تلقی می‌کنند (Coffee, 1981, p. 409).

تعطیلی موقت یا دائم: در صورت ارتکاب جرایم شدید یا تکرار جرم، قانون مجازات امکان تعطیلی موقت یا دائمی شرکت را پیش‌بینی کرده است. این مجازات هرچند در ظاهر قاطعانه است، اما در عمل به دلیل تبعات اقتصادی و اجتماعی، به‌ندرت اجرا می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۲۵۱).

محرومیت از برخی حقوق: از جمله محرومیت از شرکت در مناقصات دولتی، دریافت تسهیلات بانکی یا حضور در نمایشگاه‌های رسمی. این مجازات برای افزایش فشار غیرمستقیم بر نهادهای متخلف استفاده می‌شود و گاه اثربخشی بیشتری نسبت به جریمه دارد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۱: ۴۴۸).

نظارت قضایی یا انحلال اجباری: در مواردی که شرکت به شکل سیستماتیک در ارتکاب جرم نقش داشته، دادگاه می‌تواند دستور انحلال شرکت یا تعیین ناظر قضایی برای اصلاح ساختار آن را صادر کند.

انتخاب مجازات مناسب برای شخص حقوقی نیازمند سنجش میان منافع اجتماعی، حفظ اشتغال، حفظ نظم اقتصادی و الزامات عدالت کیفری است. اگر مجازات بیش از حد باشد، ممکن است باعث ورشکستگی شرکت و از بین رفتن مشاغل شود. اگر بسیار سبک باشد، کارکرد بازدارندگی خود را از دست می‌دهد (Ashworth & Horder, 2013, p. 115). اگرچه پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی گام مهمی در پاسخ‌گویی نهادهای اقتصادی به جرایم است،

اما چالش‌هایی در اثبات جرم، اجرای مؤثر مجازات و انتخاب نوع مجازات مناسب وجود دارد. برای عبور از این چالش‌ها، ضروری است: ۱- قوانین صریح‌تری درباره جمع‌آوری اسناد، تعیین مسئولیت مدیران و شفاف‌سازی رفتار سازمانی وضع شود، ۲- مجازات‌ها متناسب با جرم، میزان تأثیر اجتماعی و ساختار سازمانی تنظیم شوند؛ ۳- سازوکارهای نظارتی و قضایی برای اجرای مؤثر و عادلانه مجازات‌ها تقویت گردد.

نتیجه‌گیری

موضوع «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی» یکی از تحول‌برانگیزترین مباحث در حقوق کیفری معاصر به شمار می‌رود. تحولاتی که به‌ویژه در قرن بیستم در حوزه اقتصاد جهانی، فناوری، پیچیدگی سازمان‌های بزرگ و افزایش جرایم اقتصادی و زیست‌محیطی رخ داده‌اند، سبب شده‌اند تا دیگر صرف اتکا به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی، پاسخ‌گوی چالش‌های کیفری نباشد. در چنین فضایی، پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نه تنها به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، بلکه به یکی از ابزارهای مهم سیاست کیفری بدل شده است. بررسی تطبیقی و تحلیلی صورت گرفته در این نوشتار نشان داد که حقوق جزای ایران نیز، هرچند با تأخیر، از این روند جهانی تبعیت کرده و با تصویب ماده ۱۴۳ و ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ گامی اساسی در این مسیر برداشته است. بر اساس این مواد، چنانچه جرمی به نام یا در راستای منافع شخص حقوقی، توسط مدیران یا نمایندگان آن ارتکاب یابد، جرم به شخص حقوقی نیز قابل انتساب خواهد بود. این رویکرد به وضوح نشان‌دهنده عبور از انکار سنتی مسئولیت کیفری نهادهای حقوقی و پذیرش اصل اراده نماینده به‌مثابه اراده نهاد است. همچنین، تحلیل‌های صورت گرفته در طول مقاله، نشان داد که پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستلزم نهادینه‌سازی سازوکارهایی برای اثبات جرم، انتساب دقیق اراده، تعیین نوع و میزان مجازات و همچنین اجرای آن‌هاست. در فقدان این بسترها، پذیرش نظری مسئولیت، کارکرد عملی و بازدارندگی خود را از دست خواهد داد؛ بنابراین، چالش‌های جدی پیش روی اجرای این سیاست کیفری در ایران قابل انکار نیست. از جمله این چالش‌ها می‌توان به ابهام در شناسایی عنصر معنوی جرم اشاره کرد. در حقوق کیفری کلاسیک، عنصر معنوی عمدتاً بر نیت، آگاهی و قصد شخص حقیقی استوار است. حال آنکه در مورد اشخاص حقوقی، مسئله این است که آیا می‌توان اراده سازمانی را مانند اراده فردی دانست؟ نظریه اراده جمعی و نظریه سیستماتیک در پاسخ به این سؤال، پیشنهادهایی مطرح کرده‌اند که در قانون‌گذاری ایران نیز به شکلی ترکیبی بازتاب یافته‌اند. چالش مهم دیگر، انتخاب و اجرای مجازات متناسب است. قانون‌گذار ایران در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، فهرستی از مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی را برشمرده است؛ از جمله: انحلال، تعلیق، تعطیلی موقت، جریمه نقدی، محرومیت از برخی حقوق اجتماعی و ... اما در عمل، استفاده از این مجازات‌ها با موانعی مواجه است. برای نمونه، تعطیلی یک شرکت بزرگ ممکن است آثار مخربی بر اقتصاد، اشتغال و حقوق کارگران داشته باشد. به همین دلیل، در بسیاری از موارد، اجرای مجازات‌ها با ملاحظات فرعی روبرو می‌شود که در نهایت، اثربخشی آن را کاهش می‌دهد. در کنار نهاد حقوقی، مسئولیت کیفری مدیران و اعضای تصمیم‌گیر سازمان نیز بسیار حائز اهمیت است. حقوق ایران با ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی به‌درستی این اصل را تثبیت کرده که مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع از تعقیب کیفری مدیر یا نماینده مرتکب نیست. تحلیل‌های تطبیقی و داخلی نشان داد که در بسیاری از موارد، ارتکاب جرم در بستر شرکت‌ها، با تصمیم، تحریک، یا اهمال مدیران گره خورده است؛ بنابراین، بازخواست مدیران، شرطی لازم برای مقابله مؤثر با جرایم سازمان‌یافته است. علاوه بر چالش‌های اثبات و اجرای مجازات، محدودیت مصادیق جرائم قابل ارتکاب توسط اشخاص

حقوقی نیز قابل توجه است. هرچند در عمل، اشخاص حقوقی می‌توانند مرتکب طیف وسیعی از جرایم اقتصادی، زیست‌محیطی، مالیاتی و پولشویی شوند، اما در قوانین ایران، مشخصاً همه این جرایم به عنوان جرایم قابل انتساب به نهادهای حقوقی تصریح نشده‌اند. این خلأ قانونی، گاه موجب عدم شمول قاعده مسئولیت کیفری بر برخی از مهم‌ترین تخلفات شرکت‌ها می‌شود. از دیگر نکات مهم، ضعف در رویه قضایی و آموزش قضات و ضابطان در برخورد با اشخاص حقوقی است. نظام عدالت کیفری ایران هنوز در مراحل اولیه برخورد قضایی با اشخاص حقوقی قرار دارد و نیازمند توسعه رویه، دستورالعمل‌ها و آموزش‌های تخصصی در این زمینه است. بدون رویه روشن قضایی، تحقق عدالت کیفری در حوزه نهادهای حقوقی دشوار خواهد بود. با همه این اوصاف، نمی‌توان از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، گامی مهم در جهت پاسخ‌گو کردن نهادهای قدرتمند اقتصادی، تجاری و صنعتی است. امروزه بسیاری از جرایم مهم و خسارت‌بار، نه توسط اشخاص حقیقی منفرد، بلکه از درون ساختارها و سیستم‌های سازمانی ارتکاب می‌یابند؛ بنابراین، بدون به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری نهاد، برخورد مؤثر و بازدارنده با این جرایم ممکن نیست.

برای ارتقای کارایی این نهاد، پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

۱. اصلاح قانون به منظور توسعه شمول مصادیق جرایم قابل ارتکاب توسط اشخاص حقوقی
۲. تدوین دستورالعمل‌های تخصصی قضایی برای تفسیر و اجرای دقیق مواد ۱۴۳، ۱۴۴ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی
۳. الزام شرکت‌ها به ایجاد ساختارهای پیشگیرانه مانند کمیته‌های اخلاق، واحدهای بازرسی داخلی و گزارش‌دهی مستقل
۴. استفاده از مجازات‌های جایگزین بازدارنده مثل ممنوعیت موقت فعالیت، الزام به جبران خسارت، یا اعمال نظارت قضایی موقت
۵. ارتقای آموزش قضات، دادستان‌ها و ضابطان قضایی برای تشخیص درست روابط بین مدیران، ساختار سازمانی و فعل مجرمانه

در نهایت، مسیر مسئولیت‌پذیری کیفری نهادهای حقوقی در ایران، هرچند آغاز شده، اما هنوز به بلوغ لازم نرسیده است. تنها از طریق اصلاحات تدریجی، تقویت نهادهای نظارتی، توسعه رویه‌های قضایی و ایجاد شفافیت در ساختارهای شرکتی می‌توان انتظار داشت که این ابزار قانونی، در خدمت پیشگیری از جرم و تحقق عدالت اجتماعی قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۰) *حقوق جزای عمومی* ۱. تهران: میزان.
- نوربها، رضا (۱۳۹۴) *حقوق جزا: مبانی عمومی*. تهران: گنج دانش.
- نوروزی، عل (۱۳۹۹) *تحول در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و فرانسه*. فصلنامه تحقیقات حقوق کیفری، ۸ (۲)، ۷۸-۹۴.
- عباسی، قدرت‌الله. (۱۳۸۶) *بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی*. مجله حقوقی دادگستر، ۵ (۲)، ۴۹-۶۳.
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۹۱) *حقوق کیفری اختصاصی (ج ۱)*. تهران: میزان.

نوروزی، علی (۱۳۹۹) تحلیل تحولات مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران. مجله تحقیقات حقوق جزا، ۷ (۱)، ۷۸-۹۰.

رستمی، حبیب (۱۳۹۵) نقد ساختار حقوق کیفری در قبال اشخاص حقوقی. مجله مطالعات حقوقی، ۱۰ (۳)، ۷۲-۵۵.

خزاعی، منصور (۱۳۸۸) تمایز مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقوقی. فصلنامه حقوق، ۱۵ (۱)، ۱۰۷-۱۲۲.

Beesdo, H. (2010). *Corporate Criminal Liability in Comparative Perspective*. Cambridge Journal of International Law, 4(2), 75-89.

Coffee, J. C. Jr. (1981). "No Soul to Damn, No Body to Kick": An Unscandalized Inquiry into the Problem of Corporate Punishment. *Michigan Law Review*, 79(3), 386-459.

Gobert, J. (2008). Corporate Criminality: Four Models of Fault. *Legal Studies*, 28(4), 451-475.

Wells, C. (2011). *Corporate Criminal Liability: A Ten-Year Review*. *Journal of Criminal Law*, 75(2), 122-1

Gobert, J. (2008). Corporate Criminality: Four Models of Fault. *Legal Studies*, 28(4), 451-475

Ariely, D. (2012). *The honest truth about dishonesty: How we lie to everyone—especially ourselves*. HarperCollins.

Kloepfer, M. (2015). *Environmental law and policy in the European Union: A critical perspective*. Oxford University Press.

Walker, R. (2009). *Anti-money laundering: A practical guide for accountants*. Wiley.

Zohny, H. (2016). *Corporate crime and accountability in a global context*. Routledge.

Colin, A., & Capitant, H. (2010). *Droit pénal des affaires*. Paris: Dalloz.

Ashworth, A., & Horder, J. (2013). *Principles of criminal law* (7th ed.). Oxford University Press.

Coffee, J. C. (1981). "No soul to damn: No body to kick: An unscandalized inquiry into the problem of corporate punishment." *Michigan Law Review*, 79(3), 386-459.

Fisse, B., & Braithwaite, J. (1993). *Corporations, crime and accountability*. Cambridge University Press.

Green, S. (2006). *Lying, cheating, and stealing: A moral theory of white-collar crime*. Oxford University Press.

Ormerod, D., & Laird, K. (2018). *Smith, Hogan, and Ormerod's Criminal Law* (15th ed.). Oxford University Press.

Vaughan, D. (2008). *The Challenger launch decision: Risky technology, culture, and deviance at NASA*. University of Chicago Press.

A Study of the Criminal Responsibility of Legal Entities in Iranian Criminal Law

Abstract

In recent decades, with the expansion of economic, industrial, and organizational activities, legal entities have become key actors in the commission of complex and organized crimes. Given the widespread impact of such offenses on public order, the economy, and the environment, criminal justice systems have been compelled to reconsider their traditional approach to criminal liability. This article aims to provide a comparative and critical analysis of the criminal responsibility of legal entities in Iran's legal system, with a specific focus on the laws before and after the enactment of the 2013 Islamic Penal Code. This study employs a descriptive-analytical method, utilizing library resources, legal documents, and credible academic articles to explore the conceptual, legal, and practical aspects of corporate criminal liability. Findings indicate that the 2013 Islamic Penal Code made a significant move by explicitly acknowledging the criminal responsibility of legal entities in Articles 143, 144, and 20. However, challenges such as the method of attributing criminal acts, proving the mental element, enforcing penalties (e.g., fines, dissolution, or disqualification), and the concurrent accountability of both corporate bodies and managers still obstruct effective implementation. To fully realize the legislator's goals in this domain, more precise legislation is required—particularly regarding the identification of criminal acts, mechanisms for attribution, and enforcement of penalties. Additionally, specialized training for judges and judicial officers is essential.

Keywords

Criminal liability, Legal entities, 2013 Islamic Penal Code, Crime attribution, Corporate sanctions